

مواضع اینها را بکنند رسول صلی الله علیه و سلم همه را بدست مبارک خود  
 بنشانند سلمان سوگند خورد است که بآن خدای که جان محمد در قصه قدرت  
 اوست که یکی از آنها خطا نشد بعد از آن یکی از اصحاب رحمت رسول  
 صلی الله علیه و سلم مقدار سینه زر خالص آورد که در بعضی معادن  
 یافته بود رسول صلی الله علیه و سلم سلمان را طلب داشت گفت  
 این را بستان و بقیه کتاب خود را باین ادا کن سلمان گفت  
 یا رسول الله این وفا نخواهد کرد با دای آنچه در دهنم می خورد رسول  
 صلی الله علیه و سلم فرمود که خدای تعالی باین دین ترا ادا خواهد کرد  
 و در بعضی روایات چنین آمده است که رسول صلی الله علیه و سلم آن  
 برضه را بر زبان مبارک خود که در آن سید بس گفت برو تمام در پیش  
 باین ادا کن سلمان آنرا سپرد و وزن کرد موازی بقیه او قیسه  
 بر آمد و هیچ کم و زیادت نیامد **و از آن جمله است** که چون  
 سلمان رضی الله عنه آمد با ایمان آورد رسول صلی الله علیه و سلم  
 نزد است که وی چه میگوید ترجمانی طلبید تا خبری از یهود آوردند  
 که فارسی در عربی میدانست سلمان رضی الله عنه تعالی را صلی

الله علیه و سلم

الله علیه و سلم هیچ گفت و قوم یهود را خدمت کرد یهودی این  
 مفهوم شد ترجمه را خریف کرد با رسول صلی الله علیه و سلم گفت  
 که سلمان ترا دشنام داد رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که ای  
 فارسی آمده است و ما را ایند ایکنند جبرائیل علیه السلام فرود آمد  
 و ترجمه کلام فارسی کرد رسول صلی الله علیه و سلم آنرا با یهودی  
 گفت یهودی گفت ای محمد جو تو این میدانی جبرائیل را  
 ساحتی گفت من خبر استم جبرائیل علیه السلام مرا تعلیم کرد  
 یهودی گفت ای محمد ترا پیش ازین متهم میدادند اکنون  
 مرا یقین شد که تو رسول خدای است بدان **لا اله الا الله و  
 رسول الله بعد از آن رسول صلی الله علیه و سلم جبرائیل را گفت**  
**سلمان را زبان عربی تعلیم کن گفت** ویرا بگوئی که هر دو شیم  
 خود را بپوش رودمان یکساید آب همان در دمان وی انداخت  
 در ساعت عربی گفتن آغاز کرد **و از آن جمله است** که چون  
 رسول صلی الله علیه و سلم بقصد آن که بدینته در آمد بر ناقه قضوا  
 سوار شد بر جمله و قیسه که هر سید راه بر ناقه وی میگرفتند